

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۸-۱۹۷

جستاری در جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی با محوریت اخلاق اقتصادی؛ تولید، توزیع و مصرف

۱ حامد فتحعلیانی

۲ حمید حسینی

۳ علی حسین احتشامی

چکیده

اقتصاد پیش از آنکه به صورت یک علم مدون در آید و حتی مدت‌ها پس از آن با آموزه‌های اخلاقی همراه بود، اما به بهانی جدایی دانش از ارزش به تدریج از آن فاصله گرفت، نظریه پردازان سرمایه داری جریان آزاد اقتصاد را بهترین سازو کار تامین کننده و منافع عمومی معرفی کردند اما با آشکار شدن مورد های شکست بازار دخالت دولت را جبران کنند دانستند گروهی نیز با بازگشت به ارزشهای اخلاقی را بهترین راه می دانند اسلام در ابتدا ظهور بیشترین تاکید را بر لزوم پالایش انسان ها از درون می داند

دیدگاه اسلام و اندیشه‌ی اقتصاداسلام در مورد جهاد اقتصادی نه تنها مثبت، بلکه به مثابه‌ی آرمانی است که همواره در جان و دل اولیا و پیروان این مکتب ریشه داشته و دارد. مقاله حاضر، که در آن «مبانی جهاد اقتصادی و نیز اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن کریم و روایات» مورد بررسی قرار گرفته، گامی هرچند ابتدایی اما بدیع و راهگشا در این خصوص است. در این بررسی، خاطر نشان شده که از منظر قرآن کریم، اقتصاد سالم و رشدیابنده مبتنی بر اصول و مبانی ذیل است: ۱- شناخت و تدبیر امور اقتصادی از راه تفقه، ۲- تعقل، ۳- اعتقاد به توحید (تجلی توحید در اقتصاد)، ۴- اعتقاد به معاد ۵- اعتقاد به مظهري از عبودیت بودن عملیات اقتصادی ۶- دخالت دولت در اقتصاد، ۷- عدالت در عملیات اقتصادی ۸- انفاق، ۹- میانه روی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Email: Hamed.fathaliyani@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Hoseinihamid@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

Email: a.h.ehteshami.47@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

در امور ۱۰- عدم اسراف . بخش دیگری از مقاله مذکور در ارتباط با " بررسی ابعاد جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از دیدگاه روایات و احادیث اسلامی " می باشد که به مهمترین این موارد که در تقسیم بندی ذیل به دو دسته ، انحرافات اقتصادی و دسته دوم : اخلاق اقتصادی است بر اساس قاعده الایم فالایم ، به آنها می پردازیم : الف: انحرافات اقتصادی ، شامل: ربا، تبذیر، اسراف، معامله، اقتصاد، ب (اخلاق اقتصادی، شامل: قرض، حلال، حرام، روزی، صدقه، انصاف، قناعت، نیکو کاری، سخاوت، بی نیازی، فقر و غنا، ثروت، جهاد اقتصادی. در این نوشتار، ضمن پرداختن به برخی روش‌های مهمی که محققان اقتصاد اسلامی از آن بهره برده‌اند، کوشش خواهد شد تا روش استنباط آموزه‌های اقتصادی اسلام که همسو با مبانی معرفت‌شناسی فقهی اسلام باشد، ارائه شود. بر اساس بیانات رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است و بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور در حال حاضر است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. از دیدگاه مقام معظم رهبری پنج اصل اقتصاد مقاومتی عبارتند از: ۱- درون‌زا بودن ۲- برون‌گرا بودن ۳- مردم‌بنیاد بودن ۴- دانش‌بنیان بودن ۵- عدالت‌محور بودن.

واژگان کلیدی

جهاد اقتصادی ، اقتصاد مقاومتی، اخلاق اقتصادی ، قرآن کریم، روایات اسلامی، تولید، توزیع و مصرف.

طرح مسأله

مسائل اقتصادی نقش مهمی در زندگی مردم و رفاه حال شهروندان دارد و در میان همه عقلای عالم، برنامه ریزی اقتصادی برای پیشرفت و توسعه زندگی لازم و ضروریست، ادیان الهی نیز به قوانین اقتصادی توجه ویژه ای نموده اند، اقتصاد در اسلام تا این اندازه ارزش و اهمیت دارد که آن را قوام جامعه و ستون اصلی آن دانسته است. بخاطر این که جامعه برای تحقق آسایش و رفاه، نیازمند اموالی است که به درستی به کار گرفته شود تا اهداف مادی و دنیوی بشر تأمین شده و رشد و شکوفایی اقتصادی زمینه و بستر مناسبی را برای فعالیت های دیگر تربیتی بشر فراهم آورد.

قرآن کریم در آیه ۶۱ سوره هود یکی از فلسفه ها و اهداف آفرینش بشر و استقرار او در زمین را آبادانی و استعمار زمین دانسته که خود یک عمل و رفتار اقتصادی است. اما متأسفانه امروز به دلایل مختلف از جمله استعمار و سلطه جهانی و... مردم جهان بویژه مسلمانان و خصوصاً مردم ایران با مشکلات اقتصادی و سختی در معیشت مواجه شده اند و تنها راه برون رفت از این مشکلات، اقتصاد مقاومتی و جایگزینی اقتصاد دینی مقابل اقتصاد غربی در جامعه است. اقتصاد دینی، نیازمند مولفه هایی در زمینه تولید، ثروت و کالا خدمات و مصرف است که باید در چارچوب دین و منطبق با معارف اسلامی به خوبی در جامعه گسترش یابد.

نکته قابل توجه آن که: چه عواملی قوام بخش اقتصاد مقاومتی است؟ و راه های مقابله با فشارهای مترتب اقتصادی چیست؟

چگونه می توانیم در حوزه های تولید، توزیع و مصرف مفاهیم اخلاقی را با رعایت استاندارد های اقتصادی در جامعه نهادینه کنیم؟

مقام معظم رهبری مدظله العالی در چند سال اخیر بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح و از آن به عنوان روشی مهم در تغییر مسیر حرکت اقتصادی یاد کرده اند. روشی که در برابر هجمه های دشمنان مانند سدهای محکم می تواند کارآمد باشد. و توطئه های اعمال تحریم های یک جانبه و غیر قانونی نظام سلطه برای وارد کردن فشار به جامعه را ملغی کند. از این رو در این پایان نامه به دنبال تبیین و بررسی آثار و موانع اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و سنت هستیم.

یکی از اهداف ارزشمند انقلاب اسلامی ایران تدوین مبانی علوم انسانی از جمله اقتصاد از دیدگاه وحی و اهل بیت وحی (ع) است که به منظور تدبیر بهینه امور اجتماعی اقتصادی صورت می گیرد. مقاله حاضر، که در آن «مبانی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم و روایات» مورد بررسی قرار گرفته، گامی هرچند ابتدایی اما بدیع و راهگشا در این خصوص است. آموزه های دینی سرشار از آیات و روایاتی است که نشان می دهد تلاش ایثارگرانه، همراه با انگیزه های الهی، به گونه ای که

موجب استقلال اقتصادی و استغنیای کشور از بیگانگان گردد، نوعی جهاد در راه خدا محسوب می‌شود. در این میان، انبوه عظیمی از نظریات از سوی صاحب نظران در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی، از جمله اقتصاد (که در آن ارائه راه‌های دست‌یابی به تولید، توزیع و مصرف بهینه خدمات مورد توجه است)، ابراز و در بوته نقد قرار گرفته است. اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره‌گیری از حاصل تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی علیهم السلام در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرند. نکته مهم که در عرصه اقتصاد باید منظر نظر اندیشه‌وران قرار گیرد آن است که اقتصادی می‌تواند ایران اسلامی را به پیشرفت همراه با عدالت رهنمون شد که پایه‌های آن از آموزه‌های اسلام نشأت گرفته شده باشد.

تاکید حضرت آیت الله خامنه‌ای در باره تفاوت دیدگاه مکاتب اقتصادی گویای این واقعیت است که می‌فرمایند: «مسئله‌ی دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی پول و مسئله‌ی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحرافهای غرب و مشکلات فراوان و مسئله‌ی استثمار و استثمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. میتوان این نگاه را تصحیح کرد.

نام گذاری سال ۹۰ به «جهاد اقتصادی» که در حقیقت نمادی برای جهت دار شدن بهتر تولید علم، نظریه، الگوهای اقتصادی و برنامه‌های جاری کشور در سال پیش رو می‌باشد از آن جا حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی ایران اکنون در ۳۳ سالگی تاریخ خود دوران بالندگی را پشت سر می‌گذارد و با سرعتی غیر قابل باور و بی سابقه در مسیرهای مختلف علمی، فناوری، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و . . . گام بر می‌دارد و در این میان از طرف دشمنانش به شدت تحت فشار اقتصادی برای شکست روبرو بوده اما با سر بلندی از این آزمون هم بیرون آمده و رهبری بزرگوار با این نام گذاری توجه بیشتری را به مساله اقتصاد معطوف کردند. در این مقاله سعی شده است که با بررسی متون قرآنی و حدیثی و نیز استفاده از یافته‌های پژوهشگران علوم قرآنی و حدیثی، و نیز با استفاده از آثار مکتوب در زمینه علم اقتصاد اسلامی، این موضوع از زوایای گوناگون آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد چون برای حصول نتیجه و دستیابی به مباحث پراهمیت، موضوع مورد پژوهش مطالعه دقیق و کنکاشی وسیع و فراگیر در کتب مختلف علوم تفسیری و قرآنی و نیز جوامع حدیثی شیعه و سنی، و تالیفات مورد بحث در علوم اقتصاد اسلامی، لذا مسلم به نظر می‌رسد که ملاحظه آراء و نظریات پژوهشگران این علوم ضرورت خواهد داشت.

بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده در زمینه‌ی جهاد اقتصادی از نظر قرآن کتب و مقالات فراوانی به نگارش درآمده است. اما در زمینه‌ی بررسی ابعاد جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی با تأکید بر اخلاق اقتصادی، تولید، توزیع و معرف تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. هرچند آثاری همچون کتاب اقتصاد شهید صدر با محوریت قرآن تألیف شده است اما به‌طور صریح و اختصاصی به این مهم پرداخته نشده است. طبق بررسی‌های به‌عمل آمده، کتب و مقالاتی که در حوزه‌ی پژوهش صورت گرفته به شرح ذیل است:

۱. مقاله‌ای با عنوان جایگاه فرهنگ قناعت (اقدام و عمل) و کارکردهای آن در تبیین و تحکیم مبانی اقتصاد مقاومتی از نگاه تعالیم اسلامی نوشته‌ی دکتر فیض ... اکبری دستک که در این مقاله قناعت و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و حدیث و کلام امیر المومنین مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. همبستگی قناعت و آرامش روان از منظر علی (ع) در نهج‌البلاغه نوشته‌ی ابراهیم کلانتری و لیلا جنتی

۳. نقش اسلامی معرف در اقتصاد نوشته‌ی جمال میریان که نوشته در این مقاله سعی کرده است نقش مدیری را در تحقق اقتصاد مقاومتی بر اساس آموزه‌های وحیانی اسلام تبیین کند.

۴. مقاله‌ای با عنوان اقتصاد اسلامی شاخص‌های زمینه‌ساز در جهاد اقتصادی نوشته حامد فتحعلیانی که در آن شاخصه‌های مدنظر قرآن برای تحقق اقتصاد اسلامی در یک جامعه را بررسی کرده و پس از آن بعضی از راهکارهای اقتصادی مندرج در قرآن و همچنین نتایج و آثار حاصله از اقتصاد اسلامی را واکاوی نموده است.

۵. کتاب اقتصادنا سید محمدباقر صدر در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی است هدف از نگارش کتاب بیان مبانی اقتصاد اسلامی و تفاوت آن با دیگر مکاتب بزرگ اقتصادی بوده است.

۶. کتاب اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه نوشته‌ی دکتر سید محسن حائری ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی که کتابی جامع در خصوص شاخصه‌های اقتصادی نهج‌البلاغه در ارتقاء فرهنگ اقتصادی می‌باشد.

۷. مقاله جایگاه سعادت در سبک زندگی قرآنی نوشته مریم سلگی و زهره السادات نبوی که در این مقاله با استفاده از قرآن سبک زندگی اسلامی ایرانی پرداخته شده است. (سلگی، مریم، بهار ۱۳۹۸، ص ۲۸۵-۳۰۹).

اهمیت جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در مکتب اسلام

اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره‌گیری از حاصل تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی علیهم السلام در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی جهاد

اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از دیدگاه آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ضرورت جهاد اقتصادی

۱- الف "جهاد اقتصادی" عامل استقلال و عزت جامعه اسلامی است؛ همانگونه که جهاد نظامی چنین است. گر چه اقتصاد از نظر ما وسیله است نه هدف، اما وسیله‌ای است گریزناپذیر و اهداف دینی و معنوی هم بدون آن تحقق یافتنی نیست. یکی از اصول اساسی در نظام فکری و سیاسی اسلام آن است که هیچ چیز، و از جمله نیازهای اقتصادی، نباید موجب سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی گردد. به همین دلیل است که قرآن کریم استقلال اقتصادی را "جمال" جامعه اسلامی می‌نامد؛ همانگونه که جهاد نظامی را باید "جلال" جامعه دانست. جهاد اقتصادی "گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست، فقیر، مستمند و وابسته به دیگران نیست، خودش تولید می‌کند و آنچه را خود دارد، مصرف می‌نماید. این در واقع جمال استغناء و خودکفایی جامعه است. جمال، تولید و تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت است و به تعبیر گویاتر جمال، استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی است."

۲- الف) "جهاد اقتصادی" هم واجد جنبه‌های اثباتی مثل پیشرفت علم و فناوری و تولیدات بیشتر و برتر است، و هم واجد جنبه‌های سلبی که کاهش وابستگی به واردات و کنترل مصرف کالاهای خارجی از جمله آنهاست. نهادینه کردن فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی - که در جای خود منوط به تجدید نظر در کیفیت کالاهای ساخت داخل است - و کاهش واردات کالاهای خارجی، همان نکته مهمی است که باید در برنامه جهاد اقتصادی در نظر گرفته شود؛ تا مبادا نظام و جامعه اسلامی به بیگانگان نیازمند و وابسته شود؛ زیرا از دست دادن استقلال اقتصادی، دیر یا زود، استقلال و عزت سیاسی و فرهنگی را هم تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

۳- الف) "جهاد اقتصادی" نیازمند بازشناسی منابع و بهره‌وری تمام از آنهاست؛ هم منابع مادی و هم انسانی. وانهادن منابع طبیعی و سوءمدیریت، مصداق‌های مهم کفران نعمت است که مانع تحقق شعار امسال می‌شوند. قرآن کریم پس از اشاره به نعمت‌هایی که در زمین قرار داده شده، یادآوری می‌کند: "او کسی است که عمران و آبادی زمین را به شما سپرد و قدرت و وسایل آرا در اختیار شما قرار داد". قرآن نمی‌گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض کرد یعنی امکانات از هر نظر آماده است، اما شما باید با کار و کوشش آن را آباد سازید. در ضمن، این حقیقت نیز از آیه شریفه استناد می‌شود که برای عمران و آبادی باید به یک ملت فرصت داد و کارهای آن‌ها را به دست خودشان سپرد.

۴- الف) "جهاد اقتصادی"، علاوه بر این، الزامات و پیش‌نیازهای دیگری هم دارد که وحدت و انسجام ملی از مهمترین آنهاست. لشکر متفرق و پراکنده هیچگاه قادر به جهادی موفق

نیست؛ هر چند از ظرفیت فراوان و استعدادهای بزرگی هم برخوردار باشد. خداوند در قرآن اعلام فرموده است که جهادی را دوست دارد که همه در یک "صف" و مانند "بنیان مرصوص" باشند. اینجاست که "جهاد اخلاقی" نیز ضرورت پیدا می‌کند.

ب) ضرورت‌های اقتصاد مقاومتی

۱- ب) اقتصاد مقاومتی یکی از بنیادی‌ترین عوامل رشد و پیشرفت انسان‌ها مسأله اقتصاد است. اگر اقتصاد جامعه یا اقتصاد خانواده دچار مشکل باشد و مردم با تنگدستی و محرومیت اقتصادی بسر ببرند، هیچ‌گونه باور اعتقادی و رفتار اخلاقی را پذیرا نخواهد بود. به همین جهت پیامبر ۹ فرمود: «كَأَدَّ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲، قم. دار الحدیث، اول، ۱۴۲۹. ص ۳۰۷) ناداری نزدیک است که به کفر بینجامد. بی‌شک، رشد اقتصادی جامعه نشان‌دهنده اقتدار ملی، استقلال، عزت‌مندی و در مجموع، عامل برتری آن جامعه در سطح بین‌المللی است. لذا کشوری که از نظر اقتصادی، صنعت و تکنولوژی، به رشد و توسعه رسیده باشد، در دیگر جنبه‌های سیاسی و فرهنگی نیز برتر خواهد بود.

۲- ب) اما متأسفانه امروزه، ابزار اقتصادی یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار در جهان است که کشورهای همچون امریکا و اروپا با در اختیار داشتن آن، هر روز بر کشورهای دیگر خصوصاً ملت ایران فشار می‌آورند تا آن کشورها، خواسته‌های آنها را بپذیرند. بنابراین برای برون رفت از شرایط موجود، اقتصاد مقاومتی، مدلی اقتصادی است که تلفیقی از اقتصادهای سوسیالیستی و کمونیستی است و با امتیاز بهره‌گیری از رهنمودهای ناب اسلامی، یک اقتصاد تکاملی و برتر را ارائه می‌کند که با اجرایی شدن درست این اقتصاد نوظهور و دینی جامعه‌ی ایرانی-اسلامی را به سرمنزل مقصود خواهد رساند.

۳- ب) اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از راهکارهایی است که در شرایط تحریم ایجاد می‌شود. در این راهکار عوامل اقتصادی اعم از دولت، تولیدکنندگان و خانواده‌ها وظایفی را برعهده می‌گیرند که اجرای آنها نه تنها آسیب‌پذیری اقتصاد در شرایط تحریم را به حداقل می‌رساند، بلکه باعث شکوفایی و رشد اقتصادی نیز می‌شود.

در دهه‌های گذشته عوامل زیادی بر رفتارهای اقتصادی مردم اثرگذار بوده است. از تبلیغات رسانه‌ای فراوان تا ورود کالاهای لوکس و تجمل‌گرایی، که باعث شده فرهنگ اقتصادی جامعه ما با رفتار اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی فاصله بگیرد.

در این بررسی، خاطر نشان شده که از منظر قرآن کریم، اقتصاد سالم و رشدیابنده مبتنی بر اصول ذیل است: شناخت و تدبیر امور اقتصادی از راه تفقه، تعقل، اعتقاد به توحید (تجلی توحید در اقتصاد)، اعتقاد به معاد، اعتقاد به مظهری از عبودیت بودن عملیات اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، عدالت در عملیات اقتصادی و تزکیه. مطالعه زندگی بشر در ادوار گوناگون تاریخ، گویای

این حقیقت است که یافتن شیوه‌های مناسب برای بقای بهتر و بیش‌تر (سعادت)، از مهم‌ترین دغدغه‌های خاطر تمامی انسان‌هاست و همواره برای نیل به این هدف، تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است. گستردگی، ظرافت و در هم تنیدگی شوئون گوناگون وجودی انسان از یک سو، و پیوندهای او با دیگر کاینات از سوی دیگر، آن چنان پیچیده و اعجاب‌انگیز است که تمامی جست‌وجوگران با فراست را به اظهار عجز از شناخت همه جانبه و دقیق انسان واداشته، و طنین فریاد «انسان موجود ناشناخته» را در زمین و زمان پراکنده است. در این میان، انبوه عظیمی از نظریات از سوی صاحب‌نظران در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی، از جمله اقتصاد (که در آن ارائه راه‌های دستیابی به تولید، توزیع و مصرف بهینه خدمات مورد توجه است)، ابراز و در بوته نقد قرار گرفته است. در کنار دنیای بزرگ و در خور مطالعه وجود انسانی، عالم با عظمت، ژرف و قابل ملاحظه قرآن کریم، اعجاب هر اندیشمندی را سخت برمی‌انگیزاند؛ و به راستی که عالم قرآن کریم، دارای افقی فراتر و اعماقی ژرف‌تر از گستره و عمق وجودی انسان و دیگر مظاهر طبیعی است. اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره‌گیری از حاصل تدبیرات اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت وحی علیهم‌السلام در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جهاد اقتصادی و بررسی ابعاد آن از منظر روایات

اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) همواره بر برنامه ریزی صحیح در زندگی مسلمانان تأکید نموده‌اند، دیدگاه اسلام نسبت به زندگی انسان جامع است و به تمام عرصه‌های زندگی توجه می‌کند. زهد و عبادت مولای متقیان در کنار تلاش و جهاد در عرصه اقتصادی و آبادانی نخلستان‌ها و انفاق آنها در راه خدا و برای معیشت مسلمانان در تاریخ ثبت شده است. مقاله مذکور در ارتباط با " بررسی ابعاد جهاد اقتصادی از دیدگاه روایات و احادیث اسلامی " می‌باشد که، به مهمترین این موارد که در تقسیم بندی ذیل به دو دسته، انحرافات اقتصادی و دسته دوم: اخلاق اقتصادی است به آنها می‌پردازیم:

الف) انحرافات اقتصادی، شامل: ربا، تبذیر، اسراف، معامله، اقتصاد

ب) اخلاق اقتصادی، شامل: قرض، حلال، حرام، روزی، صدقه، انصاف، قناعت، نیکو

کاری، سخاوت، بی‌نیازی، فقر و غنا، ثروت، جهاد اقتصادی.

مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد در لغت

اقتصاد این کلمه در زبان واژه شناسان، از ماده «قَصَدَ» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن (آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر عربی). خلیل بن احمد فراهیدی در کتاب العین در بیان مفهوم «اقتصاد» گفته است: قصد به معنای استقامه الطریق، یعنی پایداری در راه است. میان‌روی در زندگی اقتصادی آن است که نه اسراف کند و نه «تقتیر» و سخت‌گیری. ص ۵۴.]

راغب در مفردات می‌گوید: «اقتصاد به معنای اعتدال در امور است بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع. در اقتصاد اعتدال به پرهیز از اسراف و بخل‌ورزی است.» [راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. به کوشش: صفوان عدنان داودی. ۱۴۱۶ق، ص ۶۷۲] همچنین در لسان العرب، عمده معنای «اقتصاد» همان اعتدال و میان‌روی ذکر شده است: «هرگاه توصیه می‌شود «علیکم بالقصد» یعنی بر شما باد ملازمت حدوسط بین افراط و تفریط در همه امور، اعم قول و فعل و فکر و عقیده و چیزهایی مانند آن.» [فراهیدی، خلیل بن احمد. پیشین. ص ۳۵۳.]

مصطفوی در نتیجه‌گیری از اقوال لغت‌شناسان می‌گوید: اصل در معنای قصد، توجه کردن به کار و اقدام عملی بر انجام آن است. دیگر معانی مانند اعتدال از قراین حالی و مقالی یا مقامی استفاده می‌شود یا از لوازم معنای اصلی به شمار می‌روند.

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد

اقتصاد در اصطلاح علم اقتصاد، به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می‌رود [آقا نظری، حسن. نظریه پردازی اقتصاد اسلامی. تهران: به عبارت دیگر، دانش اقتصاد به بررسی روش‌های به کارگیری منابع کمیاب به منظور تولید کالاها و خدمات برای توزیع میان افراد نیازمند و گروه‌های اجتماعی برای مصرف می‌پردازد. (ایروانی، جواد. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. ۱۳۸۴. ص ۲۴) ارسطو: علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه] دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت: ۱۳۷۱. ص ۳۰. آدم اسمیت: اقتصاد علم بررسی ماهیت علل ثروت ملل است. استوارت میل: اقتصاد عبارت است از بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع. [فدیور، لویس. خودآموز اقتصاد. پیشین. ص ۸]. بنابراین، علم اقتصاد، دانشی است که به تخصیص بهینه کالاها و فرآورده‌ها می‌پردازد؛ علمی که به تشریح حیات اقتصادی و پدیده‌های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آنها توجه دارد.

مسئله اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشری مطرح است و اسلام نیز

نگرش خاصی به آن دارد. نگاه اسلام به مسئله اقتصاد، نگاه خدامحورانه برای اصلاح و سعادت انسان است و اموراتصادی بشر را جزئی از مجموعه قوانین خود می‌داند که تنها می‌تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر می‌شمارد. [میرمعزی، سید حسین. اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی. : ۱۳۸۴، ص ۲۱]

مقاومت در لغت

مقاومت مصدری است از ریشه «قوم» و هم ریشه مستقیم، قوام، استقامت و قیام است که هر کدام از این واژه‌ها معانی بسیار عمیقی را در خود دارند.

و به معنای «در برابر تهاجم دشمن مقاومت کردن، رو در روی دشمن ایستادن» [بندر ریگی، محمد. المنجد (عربی - فارسی)، ج ۲. تهران: ۱۳۸۴ بی نا. ص ۱۵۳۳]. «ایستادگی کردن» [معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر: ۱۳۸۱، ص ۳۰۵۷]. «با کسی در امری برابری کردن، ضدیت کردن» [عمید، حسن. فرهنگ عمید، ج ۳. ت ۱۳۸۹. ص ۲۲۸۹] می‌باشد. همچنین در فرهنگ لغات، قوام را به معنی عدل و اعتدال معنی کرده‌اند [مصطفوی، حسن. پیشین، ج ۹. ص ۳۴۱؛ فیومی، احمد بن محمد. مصباح المنیر، ج ۲. ص ۵۲۰]. و همچنین، کتاب العین ذیل واژه قوام آورده است: «و القوام من العیش: ما یقیمک، و یغینک... قوام کل شیء: ما استقام به»^۱ فراهیدی، خلیل بن احمد. پیشین، ج ۵. ص ۲۳۳. و این واژه به معنای طلب قیام و اراده تداوم در آن امر و به انجام رساندن آن است.^۱ مصطفوی، حسن. پیشین، ج ۹. ص ۳۴۲-۳۴۳ همچنین مجمع البحرین، استقامت در کار را به معنای تمام کردن آن گرفته است.^۱ طریحی، فخر الدین. مجمع البحرین، ج ۶. ت ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۸

مقاومت در اصطلاح

مقاومت در اصطلاح، تعریف نشده است و بعضی از اساتید دانشگاه از جمله ابراهیم رزاقی در مورد اصطلاح اقتصاد این گونه بیان می‌کند که مقاومت، اصطلاحی است که در حالت تهاجم از آن استفاده می‌شود و ایستادگی در برابر دشمن را می‌طلبد که اقتصاد یک بخش از آن به حساب می‌آید. [http://www.hawzah.net] ؛ به نقل از: از سیر تا پیاز اقتصاد مقاومتی، گفتگو: ابراهیم رزاقی، مجله شجره طیبه صالحین، ش ۱، ص ۳۶]

استعمال اقتصاد و مقاومت در قرآن

مشتقات ریشه «قصد» در قرآن در معنای لغوی آن به کار رفته و ناظر به مفهوم جدید «اقتصاد» نیست، چنان که آیات: ... مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ^۱ مائده، ۶۶. به معنای معتدل در عمل [طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ج ۳. ۱۳۷۲ ش، ص ۳۴۲]، ... فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ...^۱ لقمان، ۳۲. ؛ «به معنای متمایل به طریق مستقیم» [مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۱۷. ص ۸۸؛ ترجمه المیزان،

ج ۱۶. ص ۳۵۵.]

... فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ... [فاطر، ۳۲]: «به معنای میانه‌رو» [ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۶۴؛ تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۶۲؛ تفسیر هدایت، ج ۱۷، ص ۵۷]. لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ... [توبه، ۴۲]: «به معنای مسیری آسان و نزدیک» [ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۳۸۰؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۷، ص ۴۲۷. تفسیر هدایت، ج ۶، ص ۲۸۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۵، ص ۵۱] و «وَاقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ... [لقمان، ۱۹].» «به معنای اعتدال در مشی [طبرسی، فضل بن حسن، پیشین، ج ۳، ص ۵۱، ص ۵۰۸؛ ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۳۲۷؛ مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۵۵] آمده است.»

در ادبیات قرآنی، «قوم» به معنی رعایت حد اعتدال و میانه‌روی به کار رفته است. در آیه ۶۷ سوره فرقان وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا، خداوند به مؤمنان توصیه می‌کند که در انفاق کردن (یا خرج کردن) نه اسراف و زیاده‌روی کنند و نه اقتار و خست به خرج دهند بلکه حد اعتدال و قوام را رعایت کنند.

در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه، مقصود از قوام زندگی را چیزی دانسته است که انسان را بی‌نیاز کرده، استوار دارد. [مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، استقامت، دلالت بر طلب قیام در امر یا عملی ارادی یا طبیعی می‌کند همان‌طور که در آیات فَاسْتَقِيمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ... هود، ۱۱۲. و إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا... [فصلت، ۳۰].]... فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ [توبه، ۷]. به همین معناست.

بررسی مبانی اقتصاد اسلامی و تفاوت آن با سایر مکاتب غربی

اقتصاد اسلامی، بخشی از نظام ارزشی اسلام است که حاکی از این است که اقتصاد اسلامی و مدل‌های اقتصادی باید دربرگیرنده شریعت و اخلاق اسلامی بوده و باید در راستای مصلحت و دولت اسلامی عمل کنند. نشان داده خواهد شد که نظام ارزشی اسلام، با نظام ارزشی غرب، سازگار نیست و بر همین اساس، اقتصاد اسلامی نیز باید متفاوت از اقتصاد غربی باشد. در ادامه تلاش بر این است که شماری از این تمایزات نشان داده شود.

اقتصاد سیاسی غرب، در آغاز، بخشی از یک فلسفه اخلاقی بود. آدام اسمیت و پیروان وی، تا حدودی دلمشغول مسایل اخلاقی و قواعد رفتار خوب اجتماعی بودند. ولی به مرور زمان، اقتصاد غرب به تدریج از اخلاق جدا شد و اقتصاددانان غربی، از آن به عنوان رشته‌ای فارغ از ارزش، یاد کردند. متعاقباً، اقتصاددانان غربی، برای تبیین انگیزه‌های افراد در مورد فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، بر منافع شخصی تمرکز کردند. در این محیط اجتماعی، دست

نامرئی بازار، مسوولیت عواقب ناخواسته تبدیل منافع فردی به «خیر» اجتماعی و ثروت ملل را بر عهده دارد.

دگرذیسی اقتصاد مدرن غرب، زمانی کامل شد که اقتصاد، پایگاه سیاسی خود را از دست داد و مفهوم بازدهی را اقتباس کرد. بازدهی یک راه‌حل اقتصادی، با اصل مطلوبیت «پاره‌تو»، ارزیابی می‌شود. یک راه‌حل، زمانی از مطلوبیت پاره‌تویی برخوردار است که دیگر امکان بهبود آن وجود نداشته باشد، به این معنی که فرد می‌تواند، با بدتر کردن وضع فرد دیگری، رفاه خود را بیش‌تر سازد. به نظر می‌رسد همان‌طور که متن زیرین نشان می‌دهد، موازنه‌ای میان مطلوبیت پاره‌تویی (بازدهی) و عدالت، انصاف و دیگر مسایل توزیعی وجود داشته باشد:

بدون شک، اقتصاد اسلامی، از نوع هنجاری است، در حالی که اقتصاد غربی از نوع اثباتی بوده و بنیان‌های اخلاقی خود را از دست داده است. از این رو، اقتصاد غربی، فارغ از ارزش است، در حالی که، اقتصاد اسلامی، توسط ارزش‌های اسلامی، هدایت می‌شود.

اقتصاد کلاسیک غرب، بر ایده نیازهای نامحدود افرادی بنا شده است که با منابع محدود مواجهند و انسان اقتصادی، الگوی رفتار اقتصادی را نشان می‌دهد. انسان اقتصادی کلاسیک، فردی عقلانی و حسابگر است که در پی به حداکثر رساندن خوشبختی (سود) خود است. جست‌وجوی افراد برای خوشبختی، با یک تحلیل هزینه - منفعت تصمیمات، نشان داده می‌شود. علاوه بر این، به خاطر کمبود منابع، افراد به خاطر تامین خوشبختی‌شان، باید با یکدیگر رقابت کنند، از این رو، انسان اقتصادی، فردی زیاده‌طلب و رقابت‌جو بوده که تنها به منافع شخصی خود علاقه‌مند است. علاوه بر این، به خاطر جدایی اقتصاد از فلسفه اخلاق، رفتار انسان اقتصادی عقلانی و مادی‌گرا، به محاسبه‌ای فارغ از ارزش، تبدیل شده است.

در تقابل با اقتصاد کلاسیک، اقتصاد اسلامی با وفور منابع الهی و فرض نیازهای محدود افراد، شروع می‌شود. مسأله کمبود منابع در اقتصاد کلاسیک، از فرض غیرطبیعی نیازهای نامحدود ناشی می‌شود. نیازهای انسان از دو منبع متفاوت، سرچشمه می‌گیرد. طبیعت و جامعه، نیازهای طبیعی انسان‌ها، مشابه هم بوده و بنا به تعریف، محدود است. برای مثال، افراد برای زنده ماندن به غذا نیاز دارند. با این وجود، نوع غذا، مقدار آن و کیفیت غذایی که مصرف می‌شود، محصول جانبی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. از این رو، نیازهای نامحدود انسانی، اغلب نیازی مصنوعی بوده و با شیوه‌هایی ساختگی، مانند تبلیغات، ایجاد می‌شوند. اسلام، همانند دیگر ادیان، تمامی رفتارهای انسانی، از جمله نیازهای فرد را با محدودیت‌های اخلاقی و شرعی، کنترل می‌کند.

نگاهی گذرا به مهمترین آموزه های اخلاق اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف با رویکرد اسلامی

مراد از «اخلاق اقتصادی»، مجموعه ای از صفات و رفتارها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم سازی فعالیتهای اقتصادی و مصرف بهینه است و فرد مسلمان در پرتو اعتقادات دینی، خود را ملزم به انجام دادن یا ترک کردن آنها می داند «اخلاق اقتصادی» بخشی از آموزه های اسلامی است که از یکسو، مؤلفه های رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را ارائه می کند. از سوی دیگر، شیوه ها و عناصر مقابله با مفسد و سالم سازی فعالیتهای اقتصادی را برمی نمایاند و بستر لازم را برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان نیز فراهم می سازد. این نوشتار، پس از اثبات رابطه اخلاق با اقتصاد و نقد مبانی سرمایه داری، مبنی بر جدایی آن دو، مهم ترین عناصر اخلاق اقتصادی را در سه بخش «تولید»، «توزیع» و «مصرف» مورد بررسی قرار می دهد.

الف - آموزه های دینی و کاربرد آن در بخش تولید

جایگاه کار و تولید در قرآن و حدیث: با آنکه کار نزد بسیاری از نژادهای بشری در روزگاران گذشته، امری سخت، سخیف و مخصوص برده ها به شمار می رفته است. در معارف اسلامی، کار و فعالیتهای تولیدی جایگاهی بس ارجمند دارد؛ قرآن کریم در آیه های فراوانی یادآوری می کند که خداوند، منابع و امکانات تولید را در اختیار انسانها قرار داده و با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آنان را به آباد کردن زمین و برطرف کردن نیازهای معیشتی خود، تشویق کرده است و می فرماید: «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود/ ۶۱) «اللّه الذی سخر لکم البحر لتجرى الفلک فیه بأمره و لتبتغوا من فضلہ و لعلکم تشکرون و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الأرض جمیعا منه» (جاثیه/ ۱۲ و ۱۳) مصداق بارز «ابتغاء فضل» در این گونه آیه ها، «فعالیتهای تولیدی» است. افزون بر اینها، آیه هایی که به «فراهم سازی زمینه تولید» (اعراف/ ۱۰؛ حجر/ ۲۰) اشاره دارند و نیز آیه هایی که به «مطلق تصرف» (ملک/ ۱۵؛ بقره/ ۱۶۸؛ انعام/ ۱۴۱، ۱۴۲) «آمادگی همه جانبه» (انفال/ ۶۰) فرمان می دهند، نیز به گونه التزامی، بر مطلوبیت فعالیتهای تولیدی دلالت دارند. روایتهایی که دیدگاه اسلام را در این باره مشخص کرده اند، نیز از تنوع و گستردگی ویژه ای برخوردارند: «ارزش گذاری معنوی فعالیتهای تولیدی» «تبیین ارزش مادی کار» و «تشویق عملی به کار و تولید در سیره معصومان بخشی از این آموزه هاست. از مجموع این آموزه ها در این زمینه، نکات ذیل استفاده می شود: ۱. در نظام ارزش گذاری اسلام، کار و تولید، نه امری صرفا مادی، بلکه عبادتی بزرگ و دارای ارزش ذاتی است؛ بدین معنا که کار و تولید، صرفا مقدمه کسب کردن سود و درآمد یا ضرورتی برای

جلوگیری از فقر نیست، بلکه نفس کار کردن به سبب آثار مثبت اقتصادی، روحی و اخلاقی آن مطلوب است؛ از این رو انسان در عین توانگری و بی‌نیازی، موظف به کار و تلاش است (و در عین حال، ارزش آن، به رعایت اخلاق کار منوط می‌باشد. ۲. حق تولید و بهره‌برداری از زمین و امکانات آن، برای تمام انسانهاست، نه گروهی خاص ۳- کار و تلاش با اخلاق و دینداری، رابطه‌ای متقابل دارد؛ کار، بستر مناسبی برای رشد فضیلت‌های اخلاقی و یاور انسان در دینداری است و در مقابل، گزاره‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی، مشوق و زمینه‌ساز کار بیشتر است. ۴- بیکاری، افزون بر رکود اقتصادی، آثار مخربی نیز بر جسم، جان و اخلاق آدمی وارد می‌کند و زمینه بروز «مفاسد اخلاقی و اجتماعی» و سلب نشاط زندگی را فراهم می‌سازد. اخلاق کار از دیدگاه اسلام قبلاً اشاره شد که ارزش کار و تولید در اسلام، به رعایت اخلاق و ارزش‌های دینی در این عرصه منوط است. عناصر اخلاقی کار و تولید در آموزه‌های دینی بسیار گسترده است. تحقق عینی این عناصر، از یکسو، زمینه‌ساز گسترش و بهینه‌سازی فعالیت‌های تولیدی و در نتیجه رشد اقتصادی است و از سوی دیگر، ضمن جهت‌دهی به فعالیتها و سرمایه‌گذارها، سالم‌سازی آنها را موجب می‌شود. برخی از مهم‌ترین این عناصر به همراه کارکرد اقتصادی اخلاقی آنها چنین است:

۱. هدفمندی و انگیزه سالم در نگرش اسلام، هدف‌نهایی انسان، تکامل در پرتو نیل به قرب الهی است؛ از این رو، هدف‌نهایی نظام اقتصادی اسلام، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای دستیابی افراد به کمال مطلوب است. برای تحقق این هدف، یکسری «اهداف میانی» مطرح می‌گردد که از یکسو، به عنوان انگیزه‌های فعالیت‌های تولیدی فرد مسلمان تلقی می‌شود و از سوی دیگر، مقدمه نیل به هدف‌نهایی است. «انجام دادن وظایف عبادی»، «تأمین نیازهای زندگی و رسیدن به رفاه نسبی» «خودکفایی و اقتدار جامعه» و «مشارکت در خدمات اجتماعی» از مهم‌ترین اهداف فرد مسلمان در کار و تولید است.

تفاوت در هدفها و انگیزه‌ها، یکی از وجوه تمایز کار و تولید در مکتب اقتصادی اسلام با مکتب سرمایه‌داری است؛ چرا که در مکتب سرمایه‌داری، هدف از تولید، صرفاً افزایش دادن سود و درآمد است؛ از این رو، مجالی را برای اندیشیدن ارزشها و رعایت محدودیت‌های اخلاقی در کار و تولید باقی نمی‌گذارد.

۲. وجدان کاری «وجدان کاری» به معنای «گرایش به انجام دادن صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نظارت مستقیم» است که از نشانه‌های آن، انجام کار بیشتر و بهتر، کنترل درونی و مسئولیت‌پذیری است. (عواملی چند بر ایجاد و تقویت وجدان کاری مؤثر است که در متون دینی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است؛ «اصلاح نگرش» (نفی پاره‌ای از پندارهای نادرست و خرافی درباره سرنوشت انسان و جوامع «رضایتمندی از کار» (از طریق تبیین ارزش معنوی و

اجتماعی و آثار کار)، «آموزش و الگوسازی» «تقویت احساس مسئولیت» و «توجه دادن جامعه به پی آمدهای ضعف وجدان کاری» از این عوامل است.

۳ و ۴. تخصص و تعهد «تخصص و تعهد»، دو ویژگی اساسی نیروی کار و مدیریت است که در آموزه های دینی، به شدت مورد تأکید است، به گونه ای که ممکن نیست هیچ یک بدون دیگری، ملاک ارزیابی و مطلوبیت باشد: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ الْقَوَى الْأَمِينِ». «قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیهم». در بینش اقتصادی اسلام، «متعهد غیر متخصص» در ردیف «متخصص خائن» قرار می گیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «ما أبالی ائتمنت؛ خائناً أو مضيعاً» از این رو آگاهی از دانشهای هر زمان و افزایش تخصص، در کنار پاکی و تعهد، از وظایف دینی نیروی کار است، به گونه ای که تعهد او اقتضا می کند، از پذیرش کاری که تخصص و توان آن را ندارد، خودداری ورزد. ۵ - انضباط کاری نظم و انضباط و مدیریت زمان، از مهم ترین عوامل بهره برداری بهینه از سرمایه هاست؛ از این رو، علاوه بر تأکید بر رعایت نظم، شاخصه های انضباط در فعالیتهای اقتصادی نیز مورد تأکید است. برخی از این شاخصه ها عبارت است از: «تقسیم وقت» «تقسیم کار بر اساس توانمندیها و تخصص افراد».

ب- آموزه های دینی و کاربرد آن در بخش توزیع

۲- اخلاق توزیع و تجارت مشکل اساسی اقتصاد، از دیدگاه مکتب سرمایه داری، «کمبود نسبی منابع طبیعی» و از دیدگاه مارکسیسم، «مشکل تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع» است ولی از منظر اسلام، مشکل اساسی اقتصاد به «خود انسان و ظلم و کفران او» برمی گردد. ظلم او در عرصه اقتصادی به شکل توزیع نابرابر ثروت و نیز مبادلات ناسالم نمود می یابد و کفران او، به شکل إهمال منابع طبیعی تولید و مصرف نادرست است؛ از این رو، بخشی از آموزه های اخلاقی اقتصادی اسلام، به دو عرصه «توزیع ثروت» و «توزیع کالاها و خدمات» (مبادلات) اختصاص دارد؛ الف) توزیع ثروت توزیع نابرابر ثروت و امکانات، از مهم ترین مشکلاتی است که اغلب جوامع بشری و از جمله کشور ما از آن رنج می برد. آموزه های اسلامی، به هدف برقراری عدالت اقتصادی و مقابله با فقر و زراندوزی (تکاثر)، شیوه هایی را ارائه نموده است که یکی از آنها «مقابله فرهنگی با خاستگاهها و پی آمدهای فقر و تکاثر در قالب ارائه اخلاق اقتصادی» است تحقق اخلاق اقتصادی و رفتارهای برخاسته از آن که در ادامه می آید، بر یک سلسله اصول اعتقادی و زیرساختهای معرفتی جامعه اسلامی مبتنی است که مهم ترین این اصول سه مورد است: ۱. اصل مالکیت خداوند و جانشینی و امانتدار بودن انسان. ۲. اصل عدالت، نفی افراط و تفریط مالی (فقر و تکاثر) و لزوم برخورداری «تمام مردم» از «همه امکانات» با پذیرش اختلافی معقول در سطح برخورداری. ۳. اصل اخوت که در عرصه اقتصادی، به شکل مواسات

مالیو نیز ایثار مالی، به شدت مورد تأکید است. توزیع نابرابر ثروت و مقابله با آن از نگاه اخلاقی با توجه به پی آمدهای ناگوار فقر و تکاثر در ابعاد گوناگون، از جمله آثار منفی روحی و اخلاقی آنها، آموزه های دینی با طرح شیوه «مقابله فرهنگی با فقر و تکاثر و آثار آنها» تلاش می کند تا از یکسو زمینه عدالت اقتصادی را فراهم سازد و از سوی دیگر، آثار نامطلوب فقر و تکاثر را به ویژه در عرصه اعتقادی و اخلاقی خنثی کند. مهم ترین ابعاد این شیوه از این قبیل است: ۱. تحکیم ارزشهای اصیل این بُعد به دو گونه، صورت پذیرفته است: الف) تأکید بر ارزشهای اصیل از دیدگاه اسلام همچون «ایمان و عمل صالح»، «تقوا»، «علم»، «جهاد مالی و جانی» «زهد» و «ایثار». ب) به کارگیری واژگان پرکاربرد ادبیات نظام ارزشی جامعه تکاثری، در مفاهیم معنوی و ارزشی. در واقع، بهره گیری از بار ارزشی این واژه ها (که ریشه در حس منفعت طلبی انسان دارد) به سود معنویت و سعادت ابدی انسان؛ برای نمونه، به کارگیری واژه های «تجارت»، «خرید و فروش و سود» و «ثروت» در مفاهیم معنوی. ۲. در هم شکستن ارزشهای تکاثری این بُعد به شیوه های گوناگون نمود یافته است؛ از جمله: «حذف ثروت از معیارهای ارزیابی»، «تیین جایگاه ثروتمندان متکاثر و زراندوزان، به عنوان سرچشمه های ظلم اقتصادی» و نیز «تأکید بر همنشینی با محرومان و دوری از متکاثران». ۳. تیین وظایف ثروتمندان و فقرا به هدف تحقق عدالت و دست کم کاستن اثرات نامطلوب اخلاقی و اجتماعی فقر و ثروت زیاد، وظایفی اخلاقی و رفتاری برای ثروتمندان و فقیران مؤمن ارائه شده است. در بخش وظایف ثروتمندان می توان به دو مورد اشاره کرد: الف) تیین اخلاق توانگری؛ همچون: «نگرش توحیدی به ثروت»، «لزوم آراسته شدن به فضیلت‌هایی همچون سخاوت، فروتنی و شکر» و «پرهیز از بخل، طغیان و لهو». ب) تأکید بر رسیدگی به محرومان در دو بُعد «عاطفی» و «مالی» رسیدگی به بُعد مالی محرومان از سوی ثروتمندان بخش قابل توجهی از آموزه های دینی به آن اختصاص یافته است. درباره وظایف فقرا نیز افزون بر تشویق به کار و تلاش برای رهایی از فقر، بر رعایت «اخلاق تنگدستی» تأکید می شود. برخی از این وظایف عبارت است از: «آراسته شدن به «غناى نفس» (عزت نفس) و پرهیز از اظهار فقر»، «پرهیز از تکدی گری» و «پرهیز از تواضع ذلت گونه در برابر ثروتمندان». به خوبی روشن است که تحقق اخلاق فقر و ثروت در جامعه، ارزشهای نظام سرمایه داری و تکاثری را به حاشیه می راند و ضمن بسترسازی برای عدالت اجتماعی، پی آمدهای فقر و تکاثر را نیز کاهش داده و یا خنثی می سازد. ب) توزیع کالاها و خدمات آموزه های اخلاقی ارائه شده در این بخش، بیشتر بر «اخلاق تجارت» متمرکز است که بخش قابل توجه و غالباً مستقلی از متون حدیثی و فقهی به آن اختصاص دارد. در این مقام برای اختصار تنها به ذکر اصول حاکم بر اخلاق تجارت و نمودهای آن و پاره ای از نکات لازم بسنده می کنیم. اصول حاکم بر اخلاق تجارت و مصادیق برخاسته از آن عبارت است از: ۱.

«اصل توجه به معنویات» در قالب یاد خدا و معاد و توجه به نماز در هنگام داد و ستد. ۲. «اصل عدالت»: رعایت میزان سود عادلانه، حذف واسطه گری غیر لازم، نفی کم فروشی و مداخله نکردن در معامله دیگران. ۳. «اصل خیرخواهی و نفی غش (فرب)»: ممنوعیت فروش کالاهای تقلبی و نفی تبلیغات خلاف واقع. ۴. «اصل احسان» پرهیز از سودخواهی در موارد خاص، مواسات مالی و آسان گیری در معامله. ۵. «اصل امانت بودن اموال»: ممنوعیت راکدگذاری سرمایه و نفی احتکار. روشن است که تجارت مورد تأکید اسلام، تنها در چارچوب احکام و ارزشهای اخلاقی تحقق پذیر است که در غیر این صورت، مورد نکوهش قرار می گیرد و با توجه به همین نکته، راه رهایی از گزاره های متعارض نما درباره تجارت، آشکار می گردد؛ از این رو، برای نهادینه شدن اخلاق تجارت، راهکارهایی از قبیل «آموزش عمومی» «تحکیم بنیانهای اعتقادی» و «نظارت بر بازار» مطرح می شود.

ج- آموزه های دینی و کاربرد آن در بخش مصرف

۳- اخلاق مصرف، از نظر اقتصادی، هم علت غایی تولید و توزیع است و هم علت صوری؛ بدین معنا که این مصرف کننده است که به تولید و چگونگی توزیع، شکل و جهت می دهد. نقش مصرف بر سایر عرصه های اجتماعی و سیاسی و نیز آثار آن بر جسم و جان آدمی کاملاً روشن است. از سوی دیگر، الگوی مصرف فرد و جامعه، متأثر از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در این میان، اصول و ارزشهای اخلاقی و دینی، نقش تعیین کننده ای در تعیین الگوی مصرف دارد. آنچه در پی می آید، نگاهی به اصول و محدودیتهای مصرف از دیدگاه قرآن و حدیث است که در تعیین الگوی مصرف متناسب با اهداف و جهان بینی اسلام تأثیرگذار است. اهداف و انگیزه های مصرف در اقتصاد سرمایه داری، هدف نهایی از مصرف، «افزایش مطلوبیت» (لذت و رضایت فرد) است؛ از این رو، خواسته های انسانی، فراتر از دایره نیازهای متعادل جسمی و روحی است و شامل نیازهای کاذب و افراط در نیازهای حقیقی نیز می شود. در مکتب اسلام که سعادت مادی و معنوی فرد و جامعه را هدف نهایی دارد، یکسری اهداف میانی و به تعبیری بهتر، راهکارهای تحقق هدف نهایی برای مصرف مطرح شده است، بدین سبب، غالباً در کنار امر به مصرف، به هدف آن نیز اشاره شده است. «رعایت تقوا»، انجام کارهای شایسته»، «شکر» و «ادای حقوق» بخشی از اهداف و انگیزه های مصرف می باشند. محدودیتهای مصرف از آنجا که مصرف از دیدگاه اسلام، همچون مقدمه ای برای رسیدن به سعادت حقیقی و کمال مطلوب است، مصرف کالاهایی که آدمی را از رسیدن به آن باز دارد، ممنوع است. مهم ترین محدودیتهای مصرف در ذیل می آید: ۱. کالاهای ممنوع. ۲. اسراف و تبذیر: به سبب پی آمدهای بی شمار اسراف و تبذیر در عرصه اقتصادی. تضییع حقوق دیگران، مفاسد اخلاقی و سقوط معنوی ناشی از آن دو، بخش وسیعی از آموزه های اخلاقی اقتصادی

اسلام، به این موضوع اختصاص دارد. بخشی از این آموزه‌ها عبارت است از: الف) تعیین معیارهای اسراف و تبذیر؛ شامل: مصرف در راه معصیت، تضییع کالاها، زیانبار بودن مصرف و استفاده فراتر از حد نیاز. ب) تبیین گسترده اسراف و تبذیر و استثنا ناپذیر بودن آن. ج) تبیین زمینه‌ها و عوامل اسراف و تبذیر؛ از جمله: ناآگاهی، هواپرستی، رذیلت‌های اخلاقی، الگوپذیری از مسرفان، و تولید و عرضه نادرست کالا د) شیوه‌های مقابله؛ همچون: تقویت باورها، نظارت همگانی و تربیت خانوادگی ۳. اتراف (رفاه زدگی و مصرف‌گرایی افسارگسیخته): «اتراف» که به معنای برخورداری از نعمت فراوان و غرق شدن در شهوات و خوشگذرانی‌های توأم با غرور و طغیان است از محدودیت‌های مصرف در اسلام و از وجوه تمایز این مکتب با مکتب سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از دیدگاه قرآن کریم، پدیده اتراف، زمینه‌ساز تکذیب حق و مقابله با پیامبران و مصلحان اجتماعی فساد اخلاقی و رفتاری و نابودی فرهنگها و تمدن‌هاست؛ از این رو شیوه‌هایی برای مقابله با آن ارائه کرده است: تقویت باورها و ارزش‌های اصیل، برقراری عدالت اجتماعی، و دوریِ خواص از اتراف و رفاه زدگی. اصول حاکم بر مصرف از دیدگاه اسلام، چگونگی و مقدار مصرف، بر اساس معیارها و اصولی مشخص می‌گردد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: ۱. اصل نیاز: تأمین نیازمندی‌های مادی و دستیابی به رفاه نسبی (به دور از اسراف و تجمل‌گرایی) از مهم‌ترین اصول حاکم بر مصرف است. با این حال، یکی از مباحث اساسی در عرصه اخلاق مصرف، نفی نیازهای غیر واقعی است. نیازهایی که ناشی از خواسته‌های نفس و امیال بی‌کرانه آدمی تبلیغات بازرگانی و یا برخاسته از شأن‌های اعتباری است که نه تنها ضرورتی ندارند، بلکه عامل سقوط و انحطاط روحی، اخلاقی و اجتماعی‌اند. ۲. اصل تقدیر معیشت: یعنی تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی با توجه به سه محور «نیازها»، «تناسب درآمدها با هزینه‌ها» و «شرایط اقتصادی جامعه و عموم مردم» ۳. اصل اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در مصرف که با دو معیار «نیاز» و «شرایط زمان» تعیین می‌گردد. ۴. اصل توجه به اولویتها در هزینه‌های مصرفی. ۵. اصل ساده‌زیستی و قناعت. ۶. اصل الگوپذیری از بیگانگان. ۷. اصل انفاق مازاد درآمد. این اصول و ارزش‌ها، همگی در راستای مبانی نظام اقتصادی اسلام و به منظور دستیابی به هدف نهایی و سعادت مادی و معنوی انسان سامان یافته است.

پنج اصل اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

- ۱- درون‌زا است: یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است.
- ۲- برون‌گرا است: یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با

اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می شود.

۳- مردم‌بنیاد است: یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. دولتی نیست؛ به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می کند، هدایت می کند، کمک می کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.

۴- دانش‌بنیان است: یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده می‌کند، به پیشرفتهای علمی تکیه می‌کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می‌دهد؛ اینکه گفته می‌شود دانش‌محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است.

۵- عدالت‌محور است: یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نخیر، به آن شاخصها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

نتیجه گیری

وضوح تاکید آموزه های اعتقادی و اخلاقی اسلام به سرمایه های اجتماعی مسلمانان در ۴۰ کشور جهان با برنامه ریزی برای گسترش فعالیت های داوطلبانه و زمینه سازی برای گسترش فعالیت های اجتماعی مسلمانان می باشد نتایج این مطالعه نشان داد که بی توجهی و عدم احساس مسئولیت در قبال این علم مقدمات تقویت تولید، توزیع و مصرف را فراهم می کند و با تقویت شاخصه های اخلاقی در اقتصاد این مهم ملکه می گردد.

نگرش اسلام به مسائل اقتصادی و با رویکرد قرآنی و حدیثی، مساله مهمی است که باید از سوی انیشتندان اسلامی بویژه در زمینه علوم اقتصادی مورد توجه خاصی قرار گیرد. پرداختن به مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) و از طرفی بکارگیری آموزه های اخلاق اقتصادی در عرصه های مهم اقتصادی و در سه بخش مهم، تولید و کار، بخش توزیع و همچنین بخش مصرف، می تواند مولفه های رشد و توسعه اقتصادی و نیز رفاه عمومی را فراهم کند. از سوی دیگر، شیوه ها و عناصر مقابله با مفاسد و سالم سازی فعالیت های اقتصادی را برمی نمایاند و بستر لازم را برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان نیز فراهم می سازد. جهاد اقتصادی، موجب استقلال اقتصادی و استغنای کشور از بیگانگان و نوعی جهاد در راه خدا محسوب می شود. واز طرفی در حقیقت نمادی برای جهت دار شدن بهتر تولید علم با توجه دادن به الگوهای اقتصادی و برنامه های جاری کشور باشد.

تاکید حضرت آیت الله خامنه ای در باره تفاوت دیدگاه مکاتب اقتصادی گویای این واقعیت است که می فرمایند: «مسئله ی دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده به خاطر نگاه مادی به مسئله ی اقتصاد و مسئله ی پول و مسئله ی ثروت است. همه ی این چیزهایی که دوستان از انحراف های غرب و مشکلات فراوان و مسئله ی استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده گرایانه وجود داشته میتوان این نگاه را تصحیح کرد.

همچنین بر اساس بیانات رهبر انقلاب، اقتصاد مقاومتی یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است و بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور در حال حاضر است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم سازی محکم سازی پایه های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند. از دیدگاه مقام معظم رهبری پنج اصل اقتصاد مقاومتی عبارتند از: ۱- درونزا بودن ۲- برون گرا بودن ۳- مردم بنیاد بودن ۴- دانش بنیان بودن ۵- عدالت محور بودن.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

منابع فارسی

۱. ایروانی، جواد. اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم رضوی: اول: ۱۳۸۴
۲. آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر عربی/ فارسی. تهران: نشر نی: هشتم: ۱۳۸۶ ش.
۳. آقا نظری، حسن. نظریه پردازی اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان سمت: ۱۳۸۵.
۴. حکیمی، محمدرضا و محمدعلی و علی، الحیاء، چاپ اول، تهران، نشر الثقافه الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت: ۱۳۷۱
۶. رجائی، سیدمحمدکاظم، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲
۷. عبادی، جعفر، مباحثی در اقتصاد خرد، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۰
۸. قدیری، اصلی، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸
۹. مارشال، آلفرد. اصول علم اقتصاد. ترجمه حسین موتمن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۴۰ ش
۱۰. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب: ۱۳۶۰ ش
۱۱. معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر: ۱۳۸۱
۱۲. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه
۱۳. میرمعزی، سید حسین. اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۴. نمازی، حسین، نظامهای اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴

منابع عربی

۱. ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه کمره ای، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۸
۲. ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰، ج ۸
۳. آمدی؛ عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۴. بخاری، صحیح، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷
۵. بندر ریگی، محمد. المنجد (عربی - فارسی)، ج ۲. تهران: ۱۳۸۴ بی نا
۶. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دمشق، دار القلم بیروت،
۷. ری شهری، محمد، التنمية الاقتصادية فی الكتاب و السنه، چاپ اول، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰
۸. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، چاپ دوم، المجمع العلمی للشهید الصدر، ۱۴۰۸
۹. صدوق، محمدبن علی، ثواب الاعمال، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۴.

۱۰. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۳
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۴۰۶، ج ۷۱
۱۳. طریحی، فخر الدین. مجمع البحرین، ج ۶. تهران: سوم: ۱۳۷۵ ش،
۱۴. عاملی، محمد بن حسن حرّ وسائل الشیعہ، چاپ ششم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳، ج ۱۲۰
۱۵. عمید، حسن. فرهنگ عمید، ج ۳. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر: ۱۳۸۹
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰، ج ۲
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. العین. به کوشش: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲. قم. دار الحدیث، اول، ۱۴۲۹.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۳
۲۰. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ج ۱
۲۱. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الخصال، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳، ج ۱
۲۲. محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳، ج ۳
۲۳. محمد بن محمد بن نعمان (الشیخ المفید)، الامالی، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۳ ق

مقالات

- سلگی، مریم، جایگاه سعادت در سبک زندگی قرآنی، فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، شماره ۳۷، سال دهم، بهار ۱۳۹۸، صص ۲۸۵-۳۰۹.